



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



28-03-2019

س.ح. روغ

## به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ حکومت مؤقت، صلح حتی مؤقت هم نیست

اوضاع در افغانستان بمانند مُرْتَسَم چندین تقاطع بین المللی، دگرگون می شود؛ یک چیز مسلم است؛ دنیا بشدت می جنبد که دیگر مانند گذشته نباشد؛ این که این جنبیدن آیا یک دیر جنبیدن است، و یا بخیر جنبیدن است، این به دنیا مبارک باشد! اما یک چیز را می توان به یقین نشان داد: آنک آنک یخ ها می شکند!

در این میان که ما افغانان هوش خود را بگیریم که در این وضعیت بسیار پیچیده، اما بهر حال دگرشونده جهان، به پهلوی چپ نغلتم؛ این تا جای زیادی به خود ما افغانان مربوط می شود :

سوال این است که آیا ما اینقدر هوش و ذکاوت پیدا کرده ایم؟

از این خطوط متقاطع بین المللی، یکی آن مستقیماً به افغانستان مربوط بودند؛ جناب داکتر خلیل زاد با نمایندگان بریتانیا و پاکستان ملاقات کرد؛ و با فرستادگان چین و روسیه و اتحادیه اروپا؛ درباره آخرین مرحله مذاکرات دوحه مجلس کرد؛ و اینک دور ششم کوشش های خود را آغاز کرده است؛

همان می شود که می گفتیم: یک کانسینسوس بین المللی پل بسته می کند که همه از کوسینوس افغانستان بیرون برآیند! ما افغانان چی کنیم که بیرون برآمدن همه از افغانستان به یک پرتگاه مرگ مبدل نه شود، بل به یک چانس بزرگ مبدل شود؟

از این خطوط متقاطع بین المللی، دیگر آن حضور بسیار مهم رییس جمهور چین، همین دیروز، در اروپا بود؛ ایتالیا به برنامه چینیایی «راه ابریشم نو» پیوست؛ رییس جمهور چین ملاقات خود در پاریس را با سفارش ۳۰۰ طیاره اروپایی «ایربوس» مزین ساخت؛ این سفارش، درست در وقتی که طیاره بوینگ به یک بحران عمیق اعتماد مواجه شده است بسیار معنادار است؛ رییس جمهور فرانسه که میزبان ملاقات با رییس جمهور چین بود، داکتر مرکل صدراعظم آلمان و جناب یونکر رییس اتحادیه اروپایی را هم به ملاقات دعوت کرد؛ به این ترتیب یکی از مهم ترین ملاقات های دنیای کنونی دایر شد؛ آنجا مرکل، صدراعظم آلمان با اشاره به نقشه چینیایی «راه جدید ابریشم» بر «دوجانبه گرایی» تأکید کرد و گفت راه جدید ابریشم «پروژه بسیار مهمی» است و «ما اروپایی ها می خواهیم که در آن ایفای نقش کنیم»؛ اما «این باید منجر به روابط دو جانبه شود که ما این هدف را در این طرح نمی بینیم»؛ اروپا اصرار دارد ضمانت های جدی دریافت کند که «راه ابریشم نو» به «سلطه» چین بر اروپا نمی انجامد؛

بهر حال این که اصولاً چنین مذاکراتی از جانب اروپا با چین دایر می شود، بسیار اهمیت دارد؛ چون پنج کشور امریکا و کانادا و انگلستان و استرالیا و جاپان یک گروه تشکیل کرده اند برای اینکه چگونه موفق شوند پیشرفت چین را متوقف سازند؛ تدویر این ملاقات اروپایی با رییس جمهور چین نشان می دهد که اروپا، نه تنها می تواند و می خواهد که مستقل از امریکا تصمیم بگیرد، بل اروپا به راحتی می تواند که انگلستان را هم از ستراتیژی های بین المللی خود کنار بگذارد؛

از این خطوط متقاطع بین المللی، یکی دیگر آن وضعیت انگلستان است که کوشش آن برای بیرون رفتن از اتحادیه اروپا یکی بدنبال دیگر شکست می خورد؛ و انگلستان در راه است که «مادر تریزای» خود را در راه این کوشش ها قربانی کند؛ علیرغم همین وضع، قابل توجه بود که وزیر دفاع انگلستان از پاکستان دیدار کرد و نگرانی های تسلیحاتی پاکستان در برابر هند، موضوع اصلی ملاقات وی بوده است؛ سخنگوی وزارت خارجه پاکستان اعلان کرد که تسلیحات نوی که قرار است هند در یافت کند، موازنه ستراتیژیک را در این منطقه در هم می شکند؛ «تریزا می «این شرط را برجسته ساخت که پاکستان باید با گروه های تروریستی مقاطعه کند؛ اما بهر حال آن سفر وزیر دفاع انگلستان را ربط میدهم با این که جناب خلیل زاد با نمایندگان انگلستان و پاکستان ملاقات جداگانه ای درباره افغانستان داشت، قبل از همه نشان می دهد که پیوستگی ستراتیژیک در میان انگلستان و پاکستان به قوت خود باقی است؛

مقابله اخیر در میان هند و پاکستان بواسطه مداخله قاطع امریکا فرو کش کرد؛ عمران خان با ملاحظه این وضعیت نو، به هند پیشنهاد داد که برای حل صلح آمیز مسایل، و برای بهبود روابط اقتصادی و تجارت و عمران کار کنند؛

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

این مفکوره را عمران خان به یک زبان دیگر درباره افغانستان هم ابراز کرد؛ عمران خان به پاکستانی ها بشارت داد که بزودی در افغانستان «یک حکومت خوب» خواهد آمد؛

برای پاکستان حکومت خوب در افغانستان به چی معنا است؟

یک حکومت خوب در افغانستان همان است که چارپلاق بروی تولیدات چلفس پاکستان باز باشد؛ هیچ مذاق نیست، پاکستان از مدرک صادرات همین کالا های چلفس خودبه افغانستان تا پنج میلیارد دالر سالانه درآمد دارد؛ دلیل شلنگی پاکستان در افغانستان کاملاً افشا می شود :

پاکستان در جریان ۵۰ سال جنگ افغانستان، از مدرک جنگ افغانستان تغذیه شد؛ پاکستان همه قرضه های خارجی خود را از مدرک جنگ افغانستان پرداخت کرد؛ کسر بودیجه خود را از مدرک عایدات جنگ افغانستان جبران کرد؛ برنامه اتمی خود را در سایه جنگ افغانستان عملی ساخت؛ تجارت مواد مخدر را از طریق جنگ افغانستان توسعه داد؛ و در سایه جنگ، یک نظام اقتصادی طفیلی را در افغانستان جابجا ساخت که دوران اقتصاد افغانستان را به نفع پاکستان به جریان می انداخت؛ قاچاق معادن و جنگلات و محصولات افغانستان اضافه بر این؛ همین اکنون در بخش مهم افغانستان مبادلات اسعاری با کلدان پاکستانی صورت می گیرد؛

پاکستان هیچ دلیلی نمی بیند که از این طعمه چرب دندان بر کند! پنج تقاضایی که پاکستان به کرزی دیکته کرده بود، قطعاً ثابت می سازد که پاکستان چنین نیاتی را هم اکنون هم دنبال می کند؛

پاکستان از کرزی تقاضا کرده بود:

۱- باعث شود که نیرو های امریکایی از افغانستان خارج شوند؛ کرزی قرارداد ستراتژیک با امریکا را امضا نکند!

۲- روابط با هند را کاهش ببخشد؛ و راه های مواصلاتی افغانستان منحصرأ از طریق پاکستان باقی بماند!

۳- افغانستان راه پاکستان به آسیای میانه را بگشاید!

۴- منابع آبی افغانستان به نفع پاکستان تقسیم شوند!

۵- خط دیورند برسمیت شناخته شود!

اینک از بخت بلند، امور افغانستان بدست یک رییس جمهور افتاد که هم از مقام ژيوستراتژیک افغانستان بدقت مطلع است؛ و هم منطق حرکات اقتصادی پاکستان را می داند؛

غنی انحصار ۸۰ ساله پاکستان بالای راه های مواصلاتی افغانستان را در هم شکست؛ مواصلات مستقیم با هند را از طریق بندر چابهار انکشاف بخشید؛ راه لاجورد به استقامت آسیای میانه را فعال ساخت و صدور کالای افغانستان را از این راه به اروپا آغاز کرد؛ با ترکمنستان قرارداد ستراتژیک منعقد ساخت؛ مبادلات اقتصادی با چین را فعال ساخت؛ در برابر منظور پاکستان برای آسیای میانه شرایط وضع کرد؛ بالای صادرات پاکستان به افغانستان قیود وضع کرد؛ مسأله منابع آبی افغانستان را با صراحت در برابر پاکستان و ایران مطرح کرد؛ پلان ها اعمار بند های آبگردان بالای دریا های افغانستان، بشمول دریای کابل، را رویدست گرفت؛ درباره خط دیورند در مقابل پاکستان ایستاد و حمایت از نهضت پشتون و بلوچ را دوباره مطرح کرد؛

معلومات که چنین یک رییس جمهور در افغانستان، برای پاکستان «مانع صلح» است؛ معلومات که پاکستان بگوید باید نه تنها این رییس جمهور برداشته شود، بلکه یک حکومت مؤقت بیاید؛ و قانون اساسی افغانستان تعطیل شود؛ و اردوی افغانستان منحل شود؛

معلومات که پاکستان در سرتاسر افغانستان، آتش جنگ را دوباره شعله ور بسازد، تا این حکومت بی ثبات معلوم شود؛ و معلومات که از زبان خود افغانان گپ حکومت مؤقت را مطرح کند؛ و معلومات که این و آن مدعی بگوید که برای این حکومت فقط چند روز دیگر وخت می دهد؛ و معلومات که اسدالله خالد افشا کند که یک عده از چهره های داخل کشور در نآرامی ها، و در تشدید نا آرامی ها، دست دارند!!!

در این وضع با همه دلایل قابل فهم است که غنی از شیوه تدویر مذاکرات دوحه ناراضی باشد؛ طالبان واقعی نیستند که از پشت پرده نقب می کشند؛

نی!!

طالبان همان پرده ای هستند که واقعیت را به عقب می کشند!

آیا غنی تنها مانده است؟

نی!!

اروپا با صراحت در کنار غنی ایستاد؛ اروپا اعلان کرد که از تدویر انتخابات و از تاسیس یک حکومت مطابق به قانون اساسی افغانستان حمایت می کند! در خود امریکا هم ملاحظات نو مطرح شدند و پرریزیدنت ترامپ تاکید کرد که حاضر نیست با شرایط «بد» طالبان موافقه کند! و سفیر امریکا در کابل اعلان کرد که در دوحه درباره حکومت مؤقت صحبت نه شده است؛

اما مهمتر از همه افکار عامه خود افغانان است! در جبهه افکار عامه افغانان است که پاکستان، «پک» باخته است! افغانان با یک آگاهی قابل تمجید از بیفتاوتی بیرون می برابند؛ جامعه مدنی افغان هرچه بیشتر نیرو می گیرد؛ جوانان و زنان افغان ماهیت اصلی جریانات وطن را در می یابند و منافع دورنمایی خود را شناسایی می کنند؛

افغانان آگاهی می یابند که یک حکومت مؤقت، یک صلح حتی مؤقت هم آورده نمی تواند؛ افغانان می دانند که در پشت این گپ ها کیسه بُر های پاکستانی قصد دارند یکبار دیگر وطن ما را «چوووووور» کنند!

این گپ طالبان که گفته اند همه خلع سلاح شوند تا ما بیاییم، یک جواب دارد: صلح اصلاً با «خلع سلاح عمومی و سرتاسری» آغاز می شود؛ بلی همه خلع سلاح شوند؛ خود طالبان هم خلع سلاح شوند!!

«صلح» یعنی این که «همه» از حالت «جنگ گروهی» بیرون شوند و انحصار قهر به دولت منتقل شود! معنای این سخن که صلح باید دولت محور باشد، همین است!

یک چیز مسلم است: مسلم است که افغانان دیگر اجازه نمی دهند که ریسمان سرنوشت شان به دمب چند تا ببلوی ضد «سیکولار» بسته شود!

تو ای ره سیکو که هنوز هم جگره داره که به چند دلار بسته شود!!!

روی تاریخ به سوی روشنفکر افغان بر می گردد:

آیا روشنفکر افغان مستعد می شود که در این وضع باریک از سخن تاریک روی برگرداند؟؟؟

آیا روشنفکر افغان مستعد می شود که دولتمند شدن و قانونمند شدن را بمنزله اصول رهنمای نهضت روشنفکری افغان در مرحله کنونی مطرح کند؟؟؟

آیا روشنفکر افغان مستعد می شود تاسیس «یک مشروطه نو» را برنامه سیاسی خود بسازد؟؟؟

آیا روشنفکر افغان مستعد می شود به مبنای ملی برگردد؟؟؟

آیا روشنفکر افغان مستعد می شود «وطن و هموطن» را مبنای یک نهضت سرتاسری «صلح افغان» بسازد؟؟؟

آیا روشنفکر افغان مستعد می شود که اهلیت خود را برای ایجاد یک نهضت نو اتحاد وطنپرستان افغان ثابت بسازد؟؟؟ و یا مستعد نمی شود؟؟؟

آیا روشنفکری افغان مستعد می شود که در پیشا پیش حرکت تاریخی کنونی وطن، برای نجات قرار گیرد؟؟؟

همه به یاد داشته باشیم که فردا دیر است!!!

افغانان برای آوردن روشنفکرانه ترین تحول پیشقدم می شوند و علمبردار تاسیس «حوزه تمدنی ما» می شوند!

«حوزه تمدنی ما» خانه مشترک همه مردمان منطقه ما است!

عمران خان، عمر خود را به توپ دنده بسته است!

به پاکستان غیر دال و چپاتی و چند تا ادعای چتی پتی چیزی نمی ماند!

این گز و این میدان!

افغان دوباره بپاخاسته است! افغان این بار شکست ناپذیر است!